

## نخستین تذکره شاعران هجوگو و آثار نویافته مؤلف آن، مجلس آرای فخری هروی (ص ۵-۲۰)

هادی بیدکی<sup>۱</sup>

### چکیده

تذکره‌های شاعران از اصلی‌ترین منابع تاریخ ادبی به شمار می‌روند و آنها را باید صورت اولیه تاریخ ادبیات نوین دانست. تاکنون تذکره‌های فراوانی از لحاظ محتوایی اعم از عمومی، عصری، قومی، طبقاتی و... تألیف شده‌اند اما مؤلفان این آثار به نوشتن تذکره از لحاظ انواع ادبی توجه چندانی نداشته‌اند. شعر انتقادی، به‌ویژه هجو، یکی از این انواع ادبی مهجور است که میزان اطلاع ما درباره سراینندگان آن نسبت به شاعران مدح‌گو بسیار کمتر است. فخری هروی اولین تذکره‌نویسی است که به‌طور خاص در مجلس آرای (تألیف ۹۶۲-۹۶۳ ق.) شاعران هجو و شعر آنان را معرفی کرده است. محدوده زمانی سراینندگان مذکور در این تذکره از رودکی در قرن چهارم ق. آغاز شده و تا سراینندگان معاصر فخری در قرن‌های ۹-۱۰ ق. بدون رعایت ترتیب خاصی ادامه پیدا کرده است. در این مقاله برای نخستین بار و با استناد به اطلاعات نویافته، ابتدا تذکره مهم مجلس آرای از لحاظ کتابشناسی و نسخه‌شناسی معرفی و بررسی شده است؛ سپس زمینه معرفی آثار بیشتری از فخری فراهم آمده و به آثار مشکوک و منسوب او نیز اشاره شده است.<sup>۲</sup>

**کلیدواژه‌ها:** تذکره، شاعران هجوگو، مجلس آرای، آثار نویافته، فخری هروی.

h.bidaki@gmail.com

۱. پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. متن مجلس آرای توسط نویسنده این مقاله تصحیح شده و همراه با مقدمه، تعلیقات و فهرس لازم از سوی انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در دست چاپ است.

## The First Collection of Biographies (tazkera) of Invective Poets, *Majles-Aray* of Fakhri Heravi, And the New-found Works of Its Author

Hadi Bidaki<sup>1</sup>

### Abstract

Collections of biographies of poets (tazkera)s are among the primary sources of literary history, and they should be considered as the first modern form of history of literature. So far, the tazkeras mainly have classified the poets regarding their social class or in contemporary, general, ethnic, and other categories. But authors have not paid much attention to compiling tazkeras regarding the literary genres of the works of the poets. Critical poetry, especially invective, is an abandoned genre, and we know much less about its poets than poets of praise. Fakhri Heravi is the first author of tazkeras of invective poets, specifically by compiling *Majles-Aray* in 962-963 AH/ 1555-1556. In *Majles-Aray*, the poets, from Rudaki (4th AH/ 10th century) to contemporary poets with Fakhri (9-10 AH/ 15-16 centuries), are mentioned without a specific order. In this article, for the first time, citing newly discovered information, the significant tazkera of *Majles-Aray* is introduced and studied in terms of bibliography and codicology; afterward, more works of Fakhri and the works attributed to him are mentioned.

**Keywords:** Tazkera, biographies of poets, invective poets, *Majles-Aray*, Fakhri Heravi.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

1. Postdoctoral researcher, Department of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, email: h.bidaki@gmail.com

## ۱. مقدمه

تاریخ ادبیات فارسی حدود صد سال پیش موجودیت پیدا کرد و خاورشناسان غیرایرانی برای نخستین بار ما را با نگارش تاریخ ادبیات نوین آشنا کردند. تاریخ ادبیات فارسی در حقیقت ادامه سنت تذکره‌نویسی به شکلی روشمند است و مورخان ادبی اطلاعات خود را از محتوای تذکره‌های شاعران برگرفته‌اند. جریان تذکره‌نویسی از هفت قرن پیش با تألیف لباب‌الالباب محمد عوفی (ت. ۶۱۸ ق.) آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. دامنه تأثیر این نوع آثار و شیوه مؤلفانش آنچنان سنگین و فراگیر است که اگرچه برخی از تألیفات چند دهه اخیر عنوان «تاریخ ادبیات» دارند اما محتوا و شیوه نوشتن آنها با تذکره‌نویسی تفاوت چندانی ندارد؛ بنابراین، تذکره‌های شاعران را باید منبع اصلی تاریخ ادبیات فارسی دانست که اطلاعات ما بدون وجود آنها ناقص خواهد بود.

تذکره‌های متعددی در طول تاریخ تألیف شده‌اند که از لحاظ موضوعی و محتوایی انواع گوناگونی دارند: عمومی مانند لباب‌الالباب محمد عوفی؛ عصری مثل تحفه سامی سام‌میرزا صفوی؛ قومی از قبیل حدیقه امان‌اللهی رونق‌سندجی؛ جنسیتی مانند جواهرالعجایب فخری هروی؛ طبقاتی مثل روضة‌السلالین فخری هروی؛ محلی از قبیل تذکره شوشتر سید عبدالله حسینی شوشتری؛ اعتقادی مانند مجالس‌المؤمنین نورالله شوشتری؛ خانوادگی مثل گلشن محمود محمدمیرزا قاجار؛ مهاجرین از قبیل شام‌غریبان شفیق اورنگ‌آبادی (برای آگاهی بیشتر نک. فتوحی رودم‌عجینی، ۱۳۸۷: ۲۹۱ تا ۳۲۵).

علاوه بر آثار مذکور، برخی از تذکره‌نویسان به سراغ سبک‌ها و انواع ادبی نیز رفته‌اند و درباره آن نوشته‌اند؛ به عنوان مثال، عبدالنبی فخرالزمانی در میخانه شاعرانی را معرفی کرده که در نوع «ساقی‌نامه» شعر سروده‌اند؛ غلام‌علی آزاد بلگرامی در خزانه عامره به شاعرانی پرداخته که در نوع مدح و ستایش - درباریان - اشعاری را به نظم درآورده‌اند؛ عبدالرزاق بیگ دنبلی در تجربه‌الاحرار و تسلیة‌الابرار شانزده شاعر مکتب بازگشت را معرفی کرده است؛ مولوی آغا احمدعلی بنگالی در هفت‌آسمان به شاعرانی پرداخته که در نوع ادبی مثنوی آثاری را سروده‌اند (همان: ۳۱۴ و ۳۱۵).

شعر انتقادی یکی از انواع ادبی رایج در ادبیات است که بسیاری از شاعران اشعاری را در این زمینه - ولو با تفتن - به نظم درآورده‌اند. برخی دیگر نیز از میان انواع ادبی، بیشتر به هجو گرایش داشته و بخش اعظمی از اشعارشان را به این نوع اختصاص داده‌اند. به تعبیری دیگر، شعر انتقادی در قرن‌های ۴ و ۵ ق. بیشتر جنبه شوخی و مطایبه یا تعرض به مخالفان داشته اما این نوع به‌ویژه هجو و هزل در سده‌های ۶ تا ۸ ق. و مقارن با ادوار آشفته تاریخ ایران رونق پیدا کرده است. البته، همان‌طور که مدح در طول تاریخ ادبیات به مسیر

مبالغه افتاد، هجو نیز با اغراق همراه شد و برخی از شاعران مانند سوزنی سمرقندی (ف. ۵۶۹ ق.) چندان در سرودن شعر هجو زیاده‌روی کردند که در ادوار بعد از خود به بدگویی شناخته شده‌اند (رزمجو، ۱۳۸۲: ۱۰۹). به‌طور دقیق به همین دلیل است که تذکره‌نویسان در تألیف آثار خود رغبت چندانی به معرفی شاعران هجوگو- جز در موارد محدود- نداشته‌اند و این موضوع باعث شده که اکنون اطلاع ما از شاعران هجوگو نسبت به دیگر شاعران، به‌ویژه شاعران مدح‌گو، کمتر باشد و کم و کیف شعر و شاعران هجوگو در تاریخ ادبیات در پرده ابهام قرار بگیرد درحالی‌که لازم و مفید است که سرگذشت هر نوع ادبی مانند هجو در طول تاریخ مطالعه و بررسی شود تا زوایای وسیع اما پنهان آن آشکار و ابعاد متنوع تاریخ ادبیات تکمیل شود. فخری هروی (ز. ۹۷۰ ق.) نخستین تذکره‌نویسی است که برای اولین بار به شعر و شاعران هجو توجه کرده و در مجلس آرای به‌طور خاص به این نوع و سراینده‌گان آن پرداخته است.

تا جایی که نویسنده این مقاله در منابع خطی، چاپی و الکترونیکی جست‌وجو کرده، تاکنون در هیچ اثری به وجود مجلس آرای فخری اشاره نشده و این تذکره برای نخستین بار در اینجا معرفی خواهد شد. بیش از نیم قرن پیش، نخستین بار حسام‌الدین راشدی تحقیق مفصلی درباره فخری هروی و آثار او انجام داد و آن را در مقدمه روضةالسلطین و جواهرالعجایب مع دیوان فخری هروی در ۱۹۶۸ م. به زبان اردو به چاپ رساند؛ سپس، محمد ظفر متن مقدمه را به پیشنهاد احمد گلچین معانی در مقاله «فخری هروی و سه اثر او» در ۱۳۵۰ ش. به فارسی برگرداند. کمابیش تمام اطلاعاتی که بعد از راشدی تاکنون در منابع مرجعی مانند تاریخ تذکره‌های فارسی و تاریخ ادبیات در ایران ذکر شده و از این منابع به کتب، مقالات و رسالات دیگر راه یافته، همگی باواسطه یا بلاواسطه مأخوذ از ترجمه فارسی مقدمه راشدی بوده اما از زمان انتشار مقدمه راشدی تاکنون اطلاعات تازه و بیشتری درباره فخری به دست آمده که در این مقاله سعی شده با استناد به این اطلاعات نویافته (۱) تذکره مهم مجلس آرای از لحاظ کتابشناسی و نسخه‌شناسی معرفی و بررسی شود (۲) آثار نویافته دیگری که از فخری است و یا منسوب به اوست، شناسایی و معرفی شوند.

## ۲. بحث و بررسی

دست‌آورد اصلی این مقاله در چهار بخش اصلی کتابشناسی و نسخه‌شناسی مجلس آرای و احوال و آثار فخری هروی به شرح زیر است:

## ۲-۱. کتابشناسی مجلس آرای

مجلس آرای تاکنون نخستین تذکره شاعران هجوگو در تاریخ ادبیات فارسی است که فخری هروی در آن بیشتر به معرفی شاعران هجوگو و اشعار هجو آنها پرداخته است. محدوده زمانی شاعران مذکور در این تذکره از رودکی در قرن چهارم ق. آغاز شده و تا سرایندگان معاصر فخری در قرن های ۹-۱۰ ق. بدون رعایت ترتیب خاصی ادامه پیدا کرده است. حجم اعظم مجلس آرای مختص به شاعران هجوگو و اشعار هجوی آنهاست، اما فخری گاه به تناسب موضوع و به اقتضای مطلب، به احوال و اشعار سرایندگان غیر هجوگو، مانند رودکی، نیز پرداخته است.

فخری («الف»، گ. ۱ پ، ۲، ۴ پ) در دیباچه مجلس آرای یک بار آشکارا و صریح، و دو بار به طور ضمنی در قالب بیت یا جمله منثور به نام اثرش اشاره کرده است. تاریخ تألیف این تذکره به طور دقیق مذکور و معلوم نیست اما محتمل است که بین ۹۶۲-۹۶۳ ق. تألیف شده باشد چراکه فخری تذکره را زمان حضور در سند (۹۶۲ ق.) و قبل از مهاجرت به هند (۹۶۳ ق.) نوشته است (همان: گ. ۲-۲ پ).

طبق دیباچه مجلس آرای، نخستین جرقة تألیف این تذکره در محفلی ادبی - که با حضور شاعران و امرا در دربار حاکم سند، میرزا عیسی ترخان (حک. ۹۶۲-۹۷۳ ق.) تشکیل شده بود - در ذهن فخری زده شد چراکه در این محفل میرزا عیسی و وزیر او از قرائت اشعار هجو پرهیز کرده بودند (همان: گ. ۳، ۴ پ) و فخری گویا با زیرکی دریافته بود که اگر این چنین برخوردهایی نسبت به شعر هجو و شاعران آنها ادامه پیدا کند و کسی مثل او در یک مجموعه مدون به این نوع ادبی و سرایندگان آن نپردازد، اندک اندک غبار فراموشی و گمنامی بر آن خواهد نشست؛ بنابراین، دست به تألیف چنین اثری زد و مطالب آن را «مثل اوراق گل از هر بوستان جهت انبساط خاطر دوستان» (همان: گ. ۴ پ) گرد آورد.

فخری دلیل و انگیزه شاعران برای سرودن اشعار هجو را آزار و رنجش آنان از ارباب قدرت و ثروت دانسته است، منعمانی که به جای پرداخت صله در ازای اشعار شاعران، یا بر سر آنها منت گذاشته و فقط وعده داده اند و یا به دروغ داستان پردازی و اظهار تواضع و تعظیم کرده اند (همان: گ. ۴ پ، ۵ ر).

به عقیده فخری، بعد از فردوسی هیچ کس جز گلخنی قمی در هجو گستاخی لازم را نداشته (همان: گ. ۱۰ پ) و از شاعران خراسان سه نفر در قرن های ۹-۱۰ ق. به هجو مشهور بوده اند: درویش روغنگر، محمود سرخ تربتی، میرم سیاه هروی (همان: گ. ۱۰ پ، ۲۶ پ، ۲۷ ر، ۲۸ ر)؛ خراسانی که شعر هجو در آن، به ویژه در هرات، طوری بوده که «اکثر خوش طبع و ظریف و اهل نظم اند. گاه چنان می شود که در ظهور نظم بعضی معانی امکان ضرر است؛ یکی گفت و نوشته در بازار انداخت و مردم می خوانند و شهرت می یابد و قایل آن را نمی دانند» (همان: گ. ۳۷ پ).

طبق محتوای مجلس آرای، دلایل متعددی برای رنجیدن هجوکنندگان از هجوشوندگان وجود داشته که باعث شده شعر هجو به نظم درآید؛ گاه ندادن صله یا دادن صله نامناسب باعث شده تا به ترتیب خیری خواجه صاین الدین را و فردوسی سلطان محمود را هجو کند (همان: گ. ۵، ۱۰)؛ گاهی نیز انتخاب تخلص نامناسب از سوی کمال خجندی برای بساطی، یا ترس و فرار شاه منصور از تیمور گورکان دلیلی شده تا به ترتیب بساطی و هاتقی دست به هجوگویی بزنند (همان: گ. ۱۴، ۱۹). یک وقتی نیز هجوکننده تنها یک نفر نیست، بلکه دو شاعر یک نفر را هجو کرده‌اند؛ همان‌طور که حسن‌شاه و هلالی برای ادعای در شاعری هاتقی را هجو کرده‌اند (همان: گ. ۱۴، ۱۹) و حسین واعظ و بیجه منجمه جامی را برای دیر رسیدنش به مجلس و مسجد خود (همان: گ. ۱۵، ۲۳).

اگرچه سرودن شعر هجو اغلب در محیط دربار و به دلیل خست درباریان نسبت به پرداخت صله به شاعران رخ داده اما گاهی اوقات برعکس، برخی از هجوها حاصل خواسته دیگران از شاعران است، مانند هجو سعدی از طلبکار گداصفتش (همان: گ. ۵).

گاه شعر هجو فقط متوجه یک فرد خاص نیست، بلکه شاعر یک طایفه یا افراد شهری را خطاب قرار داده است، مثل هجو خسرو دهلوی در حق ازبکان (همان: گ. ۶) یا قصیده غوریانی در هجو سیستان و سیستانیان (همان: گ. ۶، ۸)؛ گاهی نیز هجو شاعران به هیچ‌وجه متوجه انسان نیست، بلکه در حق حیوان خاصی است، مانند شعر فرخاری و قصیده کاتبی در هجو اسب خودشان (همان: گ. ۶، ۷)؛ زمانی نیز برخی از شاعران به جای هجو افراد و حیوانات پیرامون خود، به هجو خودشان پرداخته‌اند، مانند هجو سودایی، لطفی و سعید (همان: گ. ۲۰، ۲۱).

گاهی اوقات صنف اجتماعی طرفین هجوگو با هم یکسان است؛ به عنوان مثال، کمال خجندی و بساطی هر دو شاعرانی مشهورند (همان: گ. ۱۴-۱۴) یا شاه شجاع و سلطان اویس چندان به شاعری مشهور نیستند و از روی طبع و قریحه آنی دست به هجو زده‌اند (همان: گ. ۱۲) اما گاهی نیز بین طرفین هجو اختلاف صنفی وجود دارد و مثلاً هجوکننده شاعری معروف است اما هجوشونده به شاعری مشهور نیست، بلکه یا از صنف شاه و شاهزادگان است، مانند هجو گلخنی در حق مظفرحسین میرزا (همان: گ. ۱۱)؛ یا اینکه هجوشونده از صنف هنرمندان است، مثل هجو عبدالرحمان جامی در هجو عبدالصمد افشانگر (همان: گ. ۱۴) یا اینکه هجوشونده فرد مشخصی نیست، بلکه صنف خاصی است، مانند هجو شرف‌الدین علی یزدی در حق صوفیان (همان: گ. ۱۸).

شاعران هجوگو اغلب به هجو افرادی پرداخته‌اند که باعث آزار و رنجش آنها شده‌اند؛ اما گاهی شاعر هجوشونده را برای رفتار نامناسبی هجو کرده که در حق دیگران انجام داده است نه در حق او، مانند هجو حسن شاه در حق هاتقی که خود را هم‌تراز امیر خسرو دهلوی و نظامی گنجوی دانسته بود (همان: گ. ۱۴ پ). شعر هجو همیشه هم از روی اختیار و میل شاعر سروده نشده، بلکه گاه به دستور صاحب قدرت و ثروت به نظم درآمده است، مانند هجو خلیل سلطان در حق احمد بغدادی به دستور تیمور گورکان (همان: گ. ۱۲-۱۳).

عکس‌العمل هجوشونده‌ها نیز در مواجهه با شعر و شاعران هجو متفاوت است؛ گاه بساطی و کمال خجندی یا عبدالرحمان جامی و حسین واعظ یکدیگر را هجو کرده‌اند (همان: گ. ۱۴-۱۴ پ، ۱۵ پ)؛ اما گاهی نیز هجوشوندگانی مثل سلطان محمود غزنوی و سلطان حسین میرزا به ترتیب در ازای هجو فردوسی و مولانا سزای نخست تصمیم به دستگیری و قتل آنها گرفته، اما پس از آن پشیمان شده یا عفو کرده‌اند (همان: گ. ۱۰ پ، ۱۳ پ).

نکته آخر اینکه همیشه دو طرف هجو مرد نیستند، بلکه گاهی یکی از آنها زن است، مانند هجو بیجه منجمه در حق جامی یا هجو حسن شاه در حق زرش (همان: گ. ۲۳ پ، ۳۱-۳۲ ر)؛ گاه نیز بین طرفین هجو ارتباط خویشاوندی وجود دارد، مانند هجو مهری در حق شوهرش و هجو کمال تربتی و ابن حیدر در حق پدرانشان (همان: گ. ۲۱ ر، ۳۰-۳۱ ر، ۲۵-۲۶ ر).

## ۲-۲. نسخه‌شناسی مجلس آرای

از مجلس آرای تاکنون تنها یک نسخه خطی در کتابخانه گلیپایگانی قم محفوظ است. نسخه این کتابخانه در واقع یک مجموعه مشتمل بر چهار اثر است که اثر سوم آن مجلس آرای است. کل مجموعه تاکنون دو بار فهرست شده است: اول، به کوشش رضا استادی (۱۳۵۷: ۲/ ۲۱۰) تحت شماره ۸۴۳؛ دوم، به اهتمام صدرایی خوئی و حافظیان بابلی (۱۳۸۸: ۲/ ۸۲۳) ذیل شماره ۴۹۵۶-۴۶/ ۲۵.

فهرست‌نویسان مذکور در هر دو بار فهرست‌نویسی، مجلس آرای مکتوب در بخش سوم مجموعه را تذکره شعرا نامیده اما مؤلف آن را ذکر نکرده‌اند. این اثر ۴۰ برگ و هر صفحه آن ۱۴ سطر دارد. خط مجلس آرای نستعلیق است اما نام کاتب و تاریخ کتابت آن مذکور نیست. جلد نسخه تیماج مشکی و اندازه نسخه ۱۵×۲۴ سانتی‌متر است. این نسخه فاقد هرگونه آرایش نسخه‌پردازی است و تنها برخی از عناوین مدخل‌های آن با شنگرف نوشته شده است. متن مجلس آرای مانند اثر چهارم مجموعه از آخر افتادگی دارد و

فهرست‌نویسان کتابت هر دو اثر را متعلق به قرن ۱۱ ق. دانسته‌اند درحالی‌که محمدرفیع بن صفات‌الله نائینی اثر اول و دوم این مجموعه را با خط نسخ در ۱۰۹۵ ق. کتابت کرده که اثر اول انیس‌الشعاع رامی (ف. ۷۹۵ ق.) است و اثر دوم صنایع شعریه نام دارد؛ بنابراین، فهرست‌نویسان با توجه به کتابت رساله اول و دوم در ۱۰۹۵ ق.، استنساخ رساله سوم و چهارم را نیز در قرن ۱۱ ق. تخمین زده‌اند درحالی‌که خط رساله اول و دوم یکسان و از یک کاتب است اما هم خط رساله سوم و چهارم با هم متفاوت است و هم خط هر دوی آنها با خط رساله اول و دوم یکسان نیست.

به تعبیر دیگر خط رساله اول و دوم نسخ و از محمدرفیع بن صفات‌الله نائینی در ۱۰۹۵ ق. است؛ خط رساله سوم نستعلیق کاتبی ناشناس است؛ خط رساله چهارم نسخ محمدکمال‌الدین مشهدی است. بنابراین، نستعلیق رساله سوم یا مجلس‌آرای نه‌تنها متعلق به قرن ۱۱ ق. نیست، بلکه با توجه به شواهد و قرائن برآمده از خط آن، به احتمال قوی کتابت نیمه دوم قرن ۱۰ ق. است. همچنین، احتمال دارد که هر کدام از آثار سوم و چهارم این مجموعه در آغاز نسخه مستقلی بوده‌اند و خط و صحافی جداگانه داشته‌اند اما پس از آن، آن دو نسخه از هم پاشیده و باقی‌مانده آنها به دنباله اثر اول و دوم این مجموعه اضافه شده‌اند، به‌ویژه که برگ‌های مجلس‌آرای پشت سر هم صحافی نشده و با برگ‌های آثار دیگر مجموعه در هم آمیخته است.

دریغ که از مجلس‌آرای تنها ۴۰ برگ در این مجموعه حفظ شده و با وجود اینکه در فهرست نسخه‌های کتابخانه گلیپایگانی و دیگر کتابخانه‌ها جست‌وجو شد، متأسفانه نسخه دیگر یا دنباله متن اثر به دست نیامد؛ بنابراین، به‌طور دقیق معلوم نیست که باقی‌مانده مجلس‌آرای به‌کل نابود شده و یا اینکه در یکی کتابخانه‌های جهان مجهول و مغفول مانده است اما به قیاس با حجم تذکره‌های دیگر فخری مثل روضة‌السلالین و جواهرالعجایب که بین ۲۰ تا ۴۰ برگ دارند، بعید است که بیش از دو سه برگ از آخر مجلس‌آرای افتاده باشد.

به هر حال، نسخه کنونی مجلس‌آرای به دست کاتبی ناشناس با نستعلیقی خوش‌گویا در نیمه دوم قرن ۱۰ ق. کتابت شده و کاتب در حین کتابت و یا پس از اتمام آن، نسخه خود را بازمینی کرده و افتادگی‌ها و ضبط‌های مغلوط آن را در حاشیه یا بین‌السطور با همان خط متن اضافه و اصلاح کرده است. این حذفیات، اضافات و اصلاحات بعد از کاتب اصلی نیز ادامه داشته و نفر دومی نیز نسخه را بازمینی و اصلاحات دیگری را با خطی جز خط کاتب اصلی، در حواشی و بین‌السطور نسخه اضافه کرده است.



## ۲-۳. احوال فخری هروی

احوال فخری را پیش از این در مقدمه لطایف‌نامه ذکر کرده‌ام (نک. امیر علی‌شیر نوایی، ۱۳۹۸: ۷۰ تا ۷۳) و در اینجا در همین حد کافی است که بدانیم فخری سلطان محمد و پدرش محمدامیر نام داشت. «فخری» و «امیری» به ترتیب تخلص شعری این پسر و پدر است و امیری مدتی امارت هرات را هم بر عهده داشته است. فخری در ابتدا ساکن هرات بوده و به شاه اسماعیل صفوی (حک. ۹۰۷-۹۳۰ ق.) و گماشتگان او در خراسان و هرات به‌ویژه سام‌میرزا صفوی، درمش‌خان شاملو و خواجه حبیب‌الله ساوجی ارادت خاصی داشته است. او از میان افراد مذکور به تدریج با خواجه حبیب‌الله صمیمیت خاصی پیدا کرد و از روی ارادت که به او داشت، برخی از آثارش را به نام و ستایش خواجه مزین کرد و حتی نام تحفة‌الحیب را از اسم او برگرفت.

فخری مدت‌ها ساکن هرات بود تا اینکه آرامش خراسان توسط ازبکان مختل شد؛ بنابراین او به قصد ادای فریضه حج به سوی مکه حرکت کرد اما بعد مسیر سفر را از مکه به سوی سند تغییر داد چراکه سند نسبت به خراسان امنیت بیشتری به‌ویژه برای شاعران و نویسندگان ایرانی داشته است. فخری از همان ابتدای ورود ملازم شاه‌حسن و همسرش، حاجیه ماه‌بیگم، شد و بعد از فوت شاه‌حسن (ف. ۹۶۲ ق.)، تحت ملازمت و عنایت حاکم تازه‌سند، میرزا عیسی ترخان و همسر او، زن سابق شاه‌حسن درآمد. فخری از روی ارادت که به این سه نفر داشته، برخی از آثارش را به نام و مدح آنها مزین کرده است.

بعد از اینکه اوضاع سند در ۹۶۳ ق. دچار هرج و مرج شد، فخری در جست‌وجوی مکانی آرام و امن راهی هند شد. او توجه دایه اکبرشاه (حک. ۹۶۳-۱۰۱۴ ق.)، ماهم‌انگه را به خود جلب کرد و از طریق او به دربار اکبر نفوذ یافت. آخرین اطلاع ما از اواخر عمر فخری این است که او تا ۹۷۰ ق. در هند ماند و به مدح همسر اکبرشاه، سلطان سلیمه‌بیگم، پرداخت (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۵ / ۳۲۶۰).

## ۲-۴. آثار فخری هروی

آثار فخری را باید در دو گروه شناخته‌شده و نویافته تقسیم‌بندی کرد. آثار شناخته‌شده را پیش از این معرفی کرده (نک. امیر علی‌شیر نوایی، ۱۳۹۸: ۷۳ و ۷۴) و در اینجا به اختصار به آنها پرداخته‌ام اما آثار دیگری نیز در این مقاله برای نخستین بار معرفی شده که یا نویافته و متعلق به فخری است و یا از آثار مشکوک و منسوب به اوست.

**۲-۴-۱. آثار شناخته شده**

(۱) هفت کشور: مجموعه داستان‌هایی تاریخی یا غیرواقعی با موضوعات اخلاقی است که مطالب آن در هفت منزل و هفت کشور تقسیم‌بندی شده و هر کدام از کشورهای یک تا شش آن یک بخش نیز با عنوان مسافت دارند.

(۲) لطایف‌نامه: ترجمه فارسی مجالس‌النفایس امیر علی‌شیر نوایی است که فخری علاوه بر ترجمه مجالس هشت‌گانه مجالس‌النفایس، در پایان آن مجلس نهمی مشتمل بر نه قسم افزوده و در آن احوال و اشعار ۲۲۶ شاعری را که امیر علی‌شیر آنها را معرفی نکرده، ذکر کرده است.

(۳) تحفة‌الحیب: مجموعه غزلیاتی است که شاعران در استقبال از یکدیگر به نظم درآورده‌اند و فخری آنها را به ترتیب حروف الفبا تنظیم کرده است.

(۴) روضة‌السلطین: تذکره سلاطین و امیران شاعر است که فخری آن را در هفت باب در زمان اقامت در در سند تألیف کرده است.

(۵) صنایع‌الحسن: در معرفی و توضیح صنایع ادبی است که فخری برای تبیین هر کدام از این صنایع علاوه بر مطالعه آثار بلاغی متقدم و معاصر، به اشعار خود و دیگر شاعران نیز استناد جسته است.

(۶) جواهر‌العجایب: تذکره ۳۱ زن شاعر از آغاز تا زمان مؤلف است که فخری آن را ابتدا در سند برای حاجیه ماهیگم، زن میرزا عیسی ترخان تألیف کرد؛ سپس، وقتی که از سند به هند رفت، دیباچه آن را به نام ماهمانگه، دایه اکبرشاه مزین کرد و یک قصیده نیز در مدح او به پایان کتاب افزود.

(۷) دیوان اشعار: این دیوان در زمان اوحدی بلیانی حدود پنج‌هزار بیت داشته اما نسخه‌های آن بسیار کمیاب است.

**۲-۴-۲. آثار نویافته**

(۸) رساله معما: این رساله مختصر مشتمل بر توضیح قواعد سرودن و گشودن معماست که فخری در آن به تعریف معما پرداخته و اعمال ضروری معما را در سه بخش تسهیلی و تکمیلی و تحصیلی، و اعمال تسهیلی را در چهار بخش انتقاد، تحلیل، ترکیب و تبدیل با ذکر ابیاتی توضیح داده است.

رساله معما تاکنون تصحیح و چاپ نشده اما دو نسخه خطی از آن شناسایی شده است که یکی به شماره ۱۱۱/۶ ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران و دیگری به شماره ۱۴۴/۳ ج در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است. ضمناً اینکه درایتی (۱۳۹۱: ۳۰/۵۱۱) این رساله را ذیل عنوان «فخری

هروی، خواجه حبیب‌الله» ثبت کرده، درست نیست. نسخه اول در ۱۰۹۳ ق. در برگ‌های ۳۵-۴۰ پ و نسخه دوم در قرن ۱۱ ق. در برگ‌های ۵۳-۹۵ پ کتابت شده و کاتب هیچ‌کدام معلوم نیست.

۹) **تضمینات**<sup>۱</sup>: این اثر شامل مجموعه اییاتی است از شاعران مختلف که فخری ذیل چهار بخش تصرف، توارد، تضمین و تکلف نقل کرده است. فخری این اثر را بعد از اینکه هرات را ترک کرد و به دربار شاه‌حسن ارغون راه یافت، بین ۹۴۰-۹۶۲ ق. به نام و مدح او تألیف کرده است.

تضمینات تاکنون تصحیح و چاپ نشده اما دو نسخه خطی از آن شناسایی شده است که یکی با شماره ۱۱۳۵/۱۱ در کتابخانه مرعشی قم و دیگری با شماره ۲۸/۴ در دارالکتب قاهره محفوظ است. نسخه اول در قرن ۱۰ ق. در برگ‌های ۹۲-۱۱۰ پ، و نسخه دوم در ۱۳۱۸ ق. در صفحات ۳۵-۷۴ کتابت شده است.

کاتب نسخه اول معلوم نیست؛ اما حسین‌رضا بن عصمت‌پاشا کاتب نسخه دوم است.

۱۰) **مجلس آرای**: در بخش قبلی به تفصیل به این اثر نویافته پرداخته شد.

## ۲-۴-۳. آثار مشکوک و منسوب

۱) **بستان‌الخیال**: گویا نخستین بار الهی همدانی (ف. ۱۰۶۳ ق. گ. ۱۲۰ پ) این اثر را به فخری هروی نسبت داده و محتوای آن را مجموعه مطالع غزلیات طرحی شعرای معاصر با فخری دانسته است. همزمان با الهی همدانی، حاجی خلیفه (۱۹۴۱: ۲۴۳/۱) نیز اثری با عنوان بستان خیال به بکتاش‌قلی ابدال، معاصر فخری در عثمانی نسبت داده است. بعضی از محققان با استناد به گفته الهی، معتقدند که بستان‌الخیال اثر فخری است و آن غیر از بستان خیال ابدال است؛ اما برخی دیگر بر این باورند که بستان‌الخیال اثر ابدال است و فخری چنین اثری ندارد، بلکه منظور الهی از بستان‌الخیال فخری همان تحفة‌الحیب است.

۲) **ردایف‌الاشعار**: این اثر را موجانی و علی‌مردان (۱۳۷۶: ۲۲۵/۱) و منزوی (۱۳۹۰: ۱۱۶۴/۱۱) با توجه به نسخه شماره ۷۸۹ بنیاد خاورشناسی دوشنبه - تاجیکستان به فخری نسبت داده و با وجود اینکه آغاز آن را ذکر نکرده‌اند اما طبق توصیف آنها از محتویات نسخه، مشخص است که این اثر همان تحفة‌الحیب فخری است که فاقد دیباچه است: «مجموعه ۶۶۸ غزل نظیر به اشعار سعدی، حافظ، قاسم انوار، جامی، انسی، کاتبی، هلالی، اصفی، کامی و شعرای دیگر».

۳) **قصه عالم و آدم**: این اثر به نقل از فهرست‌نویس کتابخانه دارالعلوم در شهر دیوبند هند و با توجه به نسخه شماره ۵۸ - نثر به فخری منسوب و با وجود اینکه آغاز آن ذکر نشده (فهرستگان نسخ خطی، ۱۴۰۰) اما

- به احتمال قوی، این اثر همان هفت کشور است که فخری («ب»، ز. ۹۷۰ ق. گ. ۲۷۸) در پایان آن چنین ذکر کرده است: «... این بود قصه عالم و آدم که در این صورت باز نموده آمد».
- ۴) **محک فخری**: این اثر را صدیقی (۲۰۰۶: ۴۴ / ۱) با توجه به نسخه شماره ۶۰۴ محفوظ در کتابخانه دانشگاه سند به فخری نسبت داده است اما این نسخه طبق تعداد برگ‌ها و تاریخ کتابت آن، همان نسخه تحفة الحیب محفوظ در کتابخانه تالپوری حیدرآباد است که راشدی (۱۳۵۰: ۴۶۹) اشعار فخری را از آن استخراج و درباره عنوان محک فخری ذکر کرده است: «از خطا این نام ثبت شده است» (همان: ۱۸۱).
- ۵) **بیاض**: این اثر را مولوی عبدالمقتدر (۱۹۲۵: ۱۸۰ / ۱) در ابتدا با توجه به نسخه شماره ۱۱۰۱ محفوظ در کتابخانه بانکپور - خدابخش پتنا به فخری هروی نسبت داده است: «مشمول بر غزلیات ترکی و فارسی منتخب از کلام سعدی و خسرو و حسن دهلوی و سلمان ساوجی و حافظ شیرازی و کمال خجندی و جامی و هلالی...» اما این نسخه همان تحفة الحیب فخری است که هم مولوی عبدالمقتدر (۱۴۰- ۱۹۲۷: ۱/۱۴۱) دوباره آن را تحفة الحیب نامیده و هم آغاز نسخه با آغاز تحفة الحیب یکسان است.
- ۶) **جنگ**: این اثر در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه عمومی هردیال - دهلی (۱۳۷۷: ۱۰۴) با توجه به نسخه خطی شماره R.108 و عنوان روی جلد «دیوان هروی» به فخری هروی منسوب است اما این نسخه همان تحفة الحیب است که برگ اول آن افتادگی دارد و بیت آغاز آن با ابیات آغازین تحفة الحیب فخری یکسان است. تسبیحی (۱۳۸۴: ۱۸۴) نیز نسخه محفوظ در کتابخانه گنج‌بخش اسلام‌آباد را به شماره ۱۳۸۶ و با عنوان «جنگ اشعار» به «مولانا فخری» نسبت داده است اما این نسخه همان تحفة الحیب فخری است که منزوی (۱۳۸۶: ۱۸۵۶ / ۳) آن را ذیل عنوان «خیال بوستان = بوستان خیال» به فخری نسبت داده است.
- ۷) **مثنوی**: نخستین بار علی اصغر حکمت دو مدخل فخری هروی و فردی تربتی مذکور در ریاض الشعرا و اله داغستانی (۱۳۹۱: ۱۰۸۶ / ۲) را با هم خلط کرد و مثنویات فردی را به فخری نسبت داد (امیر علی شیر نوایی، ۱۳۶۳: کج) اما گلچین معانی (۱۳۵۰: ۴۲۲ / ۱) به درستی متوجه این اشتباه شد و راشدی (۱۳۵۰: ۵۰۵) احتمال داد که ممکن است پیش از این مثنوی‌های کوچکی در دیوان فخری وجود داشته است. با وجود این، یک نسخه خطی به شماره ۵ / ۵۶۱۱ در کتابخانه ملک تهران با عنوان «مثنوی» محفوظ است که منزوی (۱۳۵۱: ۳۱۳۱ / ۴) و دانش‌پژوه و دیگران (۱۳۶۹: ۴۳۹ / ۸) - البته با تردید - به فخری نسبت داده‌اند. شاعر این مثنوی اکنون در سایت کتابخانه ملک «فخری هروی خطاط» در قرن

۱۰ ق. دانسته شده است (کتابخانه و موزه ملی ملک، ۱۴۰۰) اما با بررسی صفحات اول و آخر نسخه، نامی از فخری مشاهده نشد و به طور دقیق معلوم نیست که این مثنوی از کدام فخری است.

### ۳. نتیجه گیری

تذکره‌های شاعران از مهم‌ترین منابع تاریخ ادبی هستند و تاریخ ادبیات موجودیت صدساله خود را مدیون هفت قرن تذکره‌نویسی است. تاکنون تذکره‌های متعددی با محتواهای متفاوت و موضوعات گوناگون تألیف شده‌اند اما تعداد بسیار اندکی از مؤلفان آنها از دیدگاه انواع ادبی به معرفی شاعران پرداخته‌اند. شعر انتقادی، به‌ویژه هجو، یکی از انواع ادبی مهجوری است که میزان اطلاع ما درباره سرباندگان آن نسبت به شاعران مدح بسیار کمتر است.

مجلس آرای تاکنون نخستین تذکره‌ای است که در آن به‌طور خاص به معرفی شاعران و شعر هجو در محدوده زمانی قرن ۴-۱۰ ق. پرداخته شده است. فخری مؤلف مجلس آرای، آن را زمان اقامت در سند در دربار میرزا عیسی ترخان بین ۹۶۲-۹۶۳ ق. تألیف کرده است. نخستین جرقه تألیف این تذکره در محفل ادبی حاکم سند، میرزا عیسی ترخان در ذهن فخری زده شد چراکه در این محفل میرزا عیسی و وزیر او از قرائت اشعار هجو پرهیز کرده بودند. فخری دلیل و انگیزه شاعران برای سرودن اشعار هجو را آزار و رنجش آنان از ارباب قدرت و ثروت دانسته است، منعمانی که به جای پرداخت صله در ازای اشعار شاعران، یا بر سر آنها منت گذاشته و فقط وعده داده‌اند یا به دروغ داستان پردازی و اظهار تواضع و تعظیم کرده‌اند.

آثار فخری مشتمل بر سه گروه است: ۱. آثار شناخته‌شده که پیش از این، شناسایی و معرفی و اغلب چاپ شده‌اند، مانند هفت کشور، لطایف‌نامه، تحفة الحیب، روضة السلاطین، صنایع الحسن، جواهرالعجایب و دیوان اشعار؛ ۲. آثار نویافته که برای نخستین بار در این مقاله معرفی شده‌اند، مثل رساله معما، تضمینات و مجلس آرای؛ ۳. آثار مشکوک و منسوب به او که اغلب آنها با آثار شناخته‌شده فخری خلط شده‌اند، از قبیل بستان‌الخیال، ردایف‌الاشعار، قصه عالم و آدم، محک فخری، بیاض و جُنگ و مثنوی.

### پی‌نوشت

۱. نویسنده این مقاله رساله مذکور را نیز بر اساس دو نسخه موجود آن تصحیح کرده و به‌زودی همراه با مقدمه، تعلیقات و فهرس لازم به چاپ خواهد سپرد.

## منابع

- استنادی، رضا (۱۳۵۷) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله‌العظمی آقای گلپایگانی، ج ۲، قم: [بی‌نا].
- الهی همدانی، میر عمادالدین محمود (ف. ۱۰۶۳ ق.). خزینه گنج، برلین: کتابخانه دولتی، شماره نسخه Springer.323. [نسخه خطی] تألیف قبل از ۱۰۶۳ ق.
- امیر علی شیر نوایی، علی شیر بن کیچکنه (۱۳۶۳) لطایف‌نامه: ترجمه مجالس النفایس امیر علی شیر نوایی، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: کتاب‌فروشی منوچهری.
- امیر علی شیر نوایی، علی شیر بن کیچکنه (۱۳۹۸) لطایف‌نامه: ترجمه مجالس النفایس امیر علی شیر نوایی، تصحیح و تحقیق هادی بیدکی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری سخن.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۹) عرفات العاشقین و عرصات العارفين، به تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد، ج ۵، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- تسییحی، محمدحسین (۱۳۸۴) فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۹۴۱) کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- دانش‌پژوه و دیگران (۱۳۶۹) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۸، تهران: چاپخانه بهمن.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱) فهرستگان نسخه‌های خطی ایران: فتخ، ج ۳۰، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- راشدی، حسام‌الدین (۱۳۵۰) «فخری هروی و سه اثر از او»، ترجمه محمد ظفر، جستارهای ادبی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲۶، ص ۵۰۸ تا ۴۲۱.
- رزمجو، حسین (۱۳۸۲) انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- صدرایی خوبی، علی و ابوالفضل حافظیان بابلی (۱۳۸۸) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیه‌الله گلپایگانی (قم)، به کوشش و ویرایش مصطفی درایتی، ج ۲، تهران، مشهد: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مؤسسه فرهنگی- پژوهشی الجواد.
- صدیقی، مخدوم سلیم‌الله (۲۰۰۶) خزینه‌المخطوطات، ج ۱، جام‌شوروی: سندی ادبی بورد.
- فتوحی رومعنی، محمود (۱۳۸۷) نظریه تاریخ ادبیات با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری در ایران، تهران: سخن.
- فخری هروی، سلطان‌محمد بن امیری (۱۹۶۸) تذکره روضة السلاطین و جواهرالعجایب مع دیوان فخری هروی، به تصحیح حسام‌الدین راشدی، حیدرآباد: سندی ادبی بورد.
- فخری هروی، سلطان‌محمد بن امیری (ز. ۹۷۰ ق. «الف») مجلس‌آرای، قم: کتابخانه عمومی آیه‌الله گلپایگانی، شماره ۴۹۵۶-۴۶/۲۵، [نسخه خطی] تألیف ۹۶۲-۹۶۳ ق. کتابت قرن ۱۱ ق.
- فخری هروی، سلطان‌محمد بن امیری (ز. ۹۷۰ ق. «ب») هفت‌کشور، تهران: کتابخانه ملی، شماره نسخه ۲۴۹۹۳، [نسخه خطی] تألیف ۹۲۸ ق. به قبل، کتابت ۱۰۴۲ ق.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه عمومی هردیال - دهلی (۱۳۷۷) دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رازینی فرهنگی اسلامی ایران.

- فهرستگان نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، وبسایت تخصصی (آخرین بازنگری ۱ آذر ۱۴۰۰)  
<https://www.scripts.nlai.ir>
- کتابخانه و موزه ملی ملک، وبسایت تخصصی (آخرین بازنگری ۱ آذر ۱۴۰۰) / <https://www.malekmuseum.org/>
- گلچین معانی، احمد (۱۳۵۰) تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- منزوی، احمد (۱۳۵۱) فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- منزوی، احمد (۱۳۸۶، ۱۳۹۰) فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۳ و ۱۱، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- موجانی، سید علی و امیرزدان علی‌مردان (۱۳۷۶) فهرست نسخ خطی فارسی انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، ج ۱، تهران: وزارت امور خارجه.
- مولوی عبدالمقتدر، خان‌بهادر (۱۹۲۵) فهرست نسخ خطی فارسی اورینتل پبلک لائبریری بانکپور مسمی به مرآةالعلوم، ج ۱، پتنا: کتابخانه خدابخش - بانکپور.
- واله داغستانی، علی‌قلی بن محمدعلی (۱۳۹۱) ریاض الشعراء، به اهتمام ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Maulavi Abdul Moqtadir, Khan Bahadur (1927) *Catalogue of Arabic and Persian Manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore*. Vol. XI. Patna: The Superintendent Government Printing Hihar and Orissa.

